

خاتم النبیین نوشته شده بود و آدم هنوز حیدر خاکی بی روح بود و شمارا
از بندار حال خبر دادم دعای ابراهیم علیه السلام بوده که برینا و حضرت
فیم رسولان منم بگو علیهم آیتک و دیگر بشارت عیسی علیه السلام
که یابنی اسرائیل ای رسول الله الیک مصداق ما بین یدی من النور
و میسر رسول مانی من بعدی اسمعده و خوانی که آینه مادر من دید که نوری
از وی ساطع شد که قصه های شام نمود **از جمله آیت** که جزو شامی
از سفر خامس نوزده سیعین که هفتاد کس از اجبار یهود بر صحبت
آن اتفاق نموده اند آیتی است که ترجمه آن بربی بدین عبارت است که
لانی مقیم لم نبیا من بنی اوتهم منک اجری قولی فیه و یقول نام
والرجل الذی لا یقبل قول النبی الذی ینکلم باسمی فانی استقم فیه حدیث
با موسی علیه السلام خطاب میکنند که سر آینه من بیای کنم و بر آنکه نام از
برای بنی اسرائیل پیغمبری از بندگان برادران ایشان که آن پیغمبر
مثل تو باشد و روان گردانم قول خود را در وی و بزبان وی و وی
بگوید آنچه ویر ابان منم با هم و هر که قبول کند قول آن پیغمبر که نام من
گو یا باشد سر آینه از وی استقامت کنم و وجه استدلال باین آیت است

که در این کتاب

که وجوب نماز را به پیغمبری مخصوص فرموده که موصوف با این حدیث
که آن سر در خصوص صحبت به پیغمبر ماصلی الله علیه و سلم می آید که آن
پیغمبر از بنی اسرائیل که فرزندان یعقوب الله علیه السلام نبی است زیرا که
ضمیمه اوتهم عاید به بنی اسرائیل است پس محل بر بنی عام باید کرد و از
بنی انعام ایشان بعینه از پیغمبر ماصلی الله علیه و سلم که از فرزندان
استحسب است برادر استحق که پدر یعقوب است علیه السلام از
آیات و علامات نبوت ظاهر شده است و دیگر آنکه فرموده است
که آن پیغمبری می باید که که مثل موسی صاحب عزم و صاحب طهارت
و شوکت باشد و بعد از موسی علیه السلام پیغمبری صاحب شجاعت
و شوکت جز پیغمبر ماصلی الله علیه و سلم نبی است که اگر نصاری گویند
که آن پیغمبر موسی بود علیه السلام جواب گویم که لفظ بنی اوتهم از
مال است و ایضا عیسی علیه السلام صاحب شوکت و صاحب شجاعت
بنوده است و در انجیل آمده است حکایتی عن عیسی علیه السلام فی حاجت
تجدیل مشرک موسی بل تکمیل **از جمله آیت** که در جزو آخر که نود
باقی تمام می شود ای است که ترجمه آن مفسر بیان می شود که